

# صنایع ظریفه

## انجمن آثار ملی

وقتی که اسم فردوسی را میشنوم خیال يك مرد تو منده، با چهره خشمناك، با زلفهای میج در میج، با پیشانی پرچین، با ابروان گره افتاده و با چشمان گیرنده در پیش چشم من مجسم میشود. در زمانیکه تاریخ این مرد ستوده را چون پرده‌های سینه‌ها از نظر گذرانده، در دریای فکر غوطه‌ور میشوم، از خود میخود شده در حال نیمه مدهوش، در پرده چشم چهره پر شورشی هویدا شده این بیتها را میخواند:

به ایران مباد آنچنان روز بد

که ایران به بیگانگان اوخند

بعضیها میگویند: فردوسی وقتی که میخواست يك مجلس جشن و یا جنگ را با سخنان آبدار خود قاشکاری بکند، خودش لباس همان مجلس تصوری را پوشیده و در پیش آئینه ایستاده و ابیات مناسب آن مقام را برشته تحریر کشیده است. این مسئله تا چه اندازه حقیقت دارد در این مقاله در پی تحقیقات آن نیستم، فقط چیزیکه بسیار شایان توجه است این است که فردوسی هر مجلس و هر حکایت را مثل يك قاش زبر دست با کلمات برجسته خلق کرده است. ببارت دیگر هر دو بیت فردوسی با اندازه بك تابلوی قاشی در پیش چشم خواننده مجسم میشود، از آن جمله:

کنون جای کوشش همه ایبر است

که پاداش و پادافره دیگر است

یعنی مقدرات هر ملت بدست خود اوست. اگر کار میکند نتیجه خوب بگیرد و اگر با عطاات و سخاوتی وقت میکند در آن حال مذلت می‌نشیند.

یکی از مزایای اشعار فردوسی که در نظر نگارنده تنها چیز است که ملت ایران را از ناخوشی انحطاط «دژنراسیون» رهائی بخشد، حس مردانگی و شهامت است. تصور نمیکند یک نفر ایرانی پیدا بشود که این بیتها را بخواند و حس کوشش و فداکاری در افکار او تولید نشود:

هر آن کس که در بیم و اندوه زیست

بر آن زندگانی بساید گریخت

مرا عار آید چنین زندگی

که سالار باشم کنم بندگی

اشعار فردوسی علاوه بر اینکه ایقانه حس شهامت و مردانگی میکند، در پیدار کردن حس ملیت و خلوص نیت فوق العاده مهیج و تأثیر بخش است. این بیتها که در زیر مینویسم مثل رعد و برقی است که از شدت رهبران در افکار فردوسی تولید گردیده و شراره ایست که از شعله‌های آتش وطن پرستی وی بیرون جسته:

ز شیر شتر خوردن و سوسمار

عرب را بجائی رسانده است کار

که تاج کبان را کند آرزو

تقو باد بر چرخ گردان تقو

هیچوقت نمیتوان باور کرد که فردوسی در وقتی که این بیتها را سروده دارای حالت طبیعی بوده است. بدون تردید

اگر در این دقائق کسی فردوسی را ببیند و چون شیر شتر

غرض وی را می‌شنید، لرزه بر اندامش می‌افتاد. یقیناً در این

دقایق، روح فردوسی تا عربستان رسیده و خراب کننده‌های کشور ایران را جسته است که نابود کند.

فردوسی این یینها را در زمانی سروده است که سر تا سر کشور ایران را روح تازیان مثل دود کثیف پر کرده بود. فردوسی اول مردی است که بیدار کردن احساسات وطن و زنده نمودن شعایر ملی را حس کرده و قدم نهخت را هم وی برداشته است. لهذا برای ایرانیها چقدر مایه سرافکندگی است که تا امروز قبر همچو پرورنده حس ملیت را نساخته باشند. در حالتیکه در سایر ممالک برای نظیر این مردان نامور قبر سهل است که در هر شهر بزرگ ییکرها میسازند.

در اروپا بچکان را به موزماها و میدانها و بناهای قدیم برده ییکرهای بزرگان را بآنها نشان میدهند و تاریخ آنها را هم بآنان حکایت میکنند و بدین واسطه در ذهن بچه‌ها يك حس کوشش و فداکاری و آدم بزرگ شدن بیدار میشود. در حالتیکه در محیط ایران جوانان از اینگونه تشویقات بکلی محرومند و لهذا در وجود بچکان ایران اکثر قوای فعاله و حس تشبث و شوق فداکاری نمو نمیکند.

من یقین دارم که اگر تا امروز نیاکان ما مجسمه‌های بزرگان خود را میساختند و بدان واسطه احساسات فداکاری را در افکار بچکان بیدار میکردند، محیط ایران باین حال نمی‌افتاد یعنی قبرستان زندگان نمی‌شد. استعداد ایرانی هنوز باقی است اما خار و خاشاک خرافات آن را پنهان کرده است. امروز امثال ادیب پیشاوری، تقیزاده، اقبال آشتیانی، یاسمی، کمال‌الملک، علی تقی خان وزیر، میر مصور تبریزی، میرزا محمد خان قزوینی هر یکی در رشته خود نمونه‌ای از استعداد ایرانی میباشد، اما چه باید

کرد که محیط دود آلود و سفاک پرور ایران این درر گرانها را با لای و گل می‌پوشاند.

پس یکی از بهترین وسایل، ترویج افکار و حسیات ملیت و قدر شناسی از بزرگان ایران میباشد.

اقدام انجمن آثار ملی ایران برای بنای مقبره فردوسی بهترین نمونه این قبیل تشبثات است و من کامیابی اعضای محترم آن را از درگاه احدیت تمنا میکنم.

اسامی برجسته اعضای انجمن آثار ملی که در جراید درج شده بود بما نشان میدهد که ایشان از بزرگان نمره اول ایران هستند و اکثر آنان در جهان علم و فضل مثل ستاره‌های درخشانی میباشند و این اقدام بساختن قبر فردوسی هم اخگری است از آتش عشق و وطنخواهی و علم دوستی که در کانون سینه ایشان مشعل گردیده است.

ایکاش ملت ایران این قبیل اشخاص مبرز و علم دوست را راحت میگذاشت تا باستراحت روحی بامور معارف مملکتی مشغول بشوند ولی از روی نبودن مردمان درستکار و کار آمد، ایشان مجبورند در کارهای سیاسی و غیر سیاسی ایران نیز دخالت و صرف وقت کنند و شاید از همان جهت است که اقدامات این انجمن کافی بنظر نیاید، چنانکه در باره جمع آوری اعانه بجز در روزنامه‌های طهران اعلان کردن بکارهای دیگر اقدام نکرده است. اهالی اروپا و آمریکا که باعانه دادن متعاد هستند باز در این قبیل کارها چه اقدامها و چه تشبثها و فداکاریها میکنند. چنانکه چند سال پیش در آمریکا برای امر خیری میخواستند اعانه جمع بکنند، اما تا آن اندازه که لازم بود موفقیت حاصل نمیشد، بالاخره دختر یکی از نجیبای آمریکا که در زیبایی و عفت و عصمت معروف



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتقل جامع علوم انسانی

مجسمه فردوسی، زنده کننده نام ایران

نگارش تلاش هنرور ایرانی آقای ارژنگی در طهران

آقای ارژنگی آثار مهم و شاهکارهای دیگر نیز دارند که در آینده آنها را نیز  
زیب صفحات مجله قرار خواهیم داد.

وطن خودش بوده اعلان کرد که برای منفعت این کار می‌خواهم از شرافت خود فداکاری بکنم و در فلان روز و فلان میدان بوسه‌ها فروخت.

این اعلان در میان آمریکائیا شورشی انداخت و هیجان در میان مردم بوجود آورد. در روز موعود گروهی از متمولین جمع شدند ولی در حضور این مجسمه همت و نجات بوسیدن دست و دامن او را برای خود عین شرافت و سعادت شمردند و از این علویت فکر وی تشکر و ستایشها کردند و در همان روز هم باندازه کافی پول جمع شد. در تاریخ نظیر این قبیل فداکاریها فراوان است. در کشور ایران نه پول موجود است نه فداکار و لهذا باید بیشتر از اروپائیا تشبث کرد.

«در باره طرز و چگونگی ساختمان قبر هم ابدأ اشاره‌ای در پاتلیه انجمن نیست و بعید نیست که میخواهند پس از جمع آوری اعانه بدان پردازند. چون این مسئله يك امر ملی و اجتماعی میباشد و هر ایرانی موظف است که فکراً و عملاً باین اقدام مقدس کمک بکند لذا نگارنده نیز بعضی نکات را بعنوان پیشنهاد می‌نویسم:

برای ساختن قبر فردوسی در قدم اول دو چیز بسیار مهم است: اول پول و دوم طرح نقشه بنا.

بجهت جمع کردن اعانه بسیار وسایل لازم است و آنچه در این خصوص بنظم آمده ذیلاً مینگارم:

۱ — در روی بنای قبر نوشتن اسامی اعانه دهندگان بترتیبی که در شماره گذشته ایران‌شهر اشاره شده بود.

۲ — يك «مدالیون» درست کرده و به قیمت ارزان فروختن، حدیك هر فرد ایرانی بتواند بخرد.

- ۳- - در هر شهر از شهرهای ایران انجمنی تأسیس کردن تا برای جمع اعانه فکراً و عملاً اقدام بکنند.
- ۴- - در هر ایالت ایران تیاترها، کونسرها، کشتی گیربها، اسب دواینها و امثال آنها را نمایش داده و عایدات آنها را بقر فردوسی تخصیص دادن.
- ۵- - يك هیئت بهندوستان فرستادن و یا در هندوستان انجمنی تشکیل داده جمع اعانه کردن.
- ۶- - بقونسولخانه‌ها و سفارتهای دولت ایران در خارجه متحد المال نوشته و بواسطه آنها از ایرانیها و غیر ایرانیها پول جمع کردن.
- ۷- - يك جلد شاهنامه خطی را به لاتاری گذاشتن.
- ۸- - تابلوی فردوسی را با طرز بسیار رنگینی کشیده و در اروپا بچاپ رسانیده و در هر جای ایران و غیره بفروش رساندن.
- اگر بطور لایق این هشت ماده وسایل اعانه را بموقع اجرا بگذارند قبر فردوسی سهل است که قبرهای سایر بزرگان ایرانی را نیز میتوان بنا کرد، حتی بدینواسطه ممکن است که تمام آثار ملی ایران را جمع و محافظه کرد.
- اما ریختن طرح بنای قبر:
- در اروپا برای ساختن این قبیل بناهای عالی و تاریخی انجمنی از صنعتکاران بومی ترتیب میدهند که طرح و نقشه و مصارف و مصالح و سایر تفصیلات آن را معین میکنند و بعد از روی همان قرار در روزنامه‌های مخصوص معماری اعلان کرده و صنعتکاران بومی را بمسابقه هنر دعوت میکنند. در این اعلان مدت و جایزه معین کرده و در آخر این مدت اعضای همان انجمن صنعتکاران تمام نقشه‌ها را ملاحظه نموده و یکی از آنها را انتخاب می‌کنند.

باید فهمید که مقصود از ساختن این قبر محافظت کردن چند متر خاک از برف و باران نیست، بلکه مجسم کردن افکار فردوسی است، ببارت دیگر این بنا باید جلوه گاه روح ایرانیت باشد. امروز می‌بینیم که آثار باقی ماندهٔ هخامنشی و ساسانی و صفوی درجهٔ ترقی و تکامل ادوار تاریخی و نژاد ایران را با زبان حال بما حکایت میکند، این بنای قبر هم آئینه‌ای خواهد شد که بلندی و پائینی افکار و عادات و هنر و صنعت ایرانیان امروزی را به‌نسل جدید معرفی خواهد کرد.

امروز ما با بنای «تاج محال» در شهر «اکرا» (هندوستان) افتخار میکنیم، زیرا که روح صنعت ایران بکالبد آن رسیده است. امروز آثار معماری سلجوقی در آسیای صغیر بیشتر از ترکها برای ایرانیان مدار افتخار میباشد، چونکه این بناهای با شکوه بر اثر تأثیرات صنایع مستظرفهٔ ایران است. بدین ملاحظه بهر اندازه که ملاحظهٔ زبان و خودداری از استعمال کلمات خارجه لازم و واجب باشد، بهمان اندازه هم محفوظ داشتن اسلوب صنایع مستظرفه ضروری است، چرا که آثار صنایع مستظرفه در جای خود درجهٔ هوش و ذکاوت هر ملت را معرفی میکند.

این است که اگر انجمن آثار ملی در بارهٔ قبر فردوسی نهایت دقت را بخرج ندهد، مثل آن خواهد شد که در مقابل شاه کلر برجستهٔ شاپور یک ناصر الدین شاه مجسمهٔ خود را بسازد. اگر قبر فردوسی را هم یک معمار اروپائی بسازد دیگر ایرانی در وجود آن افتخار نخواهد داشت و مثل آن خواهد شد که نماز یک قمر مجتهد جامع‌الشرایط را یک قمر کشیش بخواند. ما این مسئله را در اروپا بخوبی مشاهده میکنیم و می‌بینیم باندازه‌ایکه سربازان هر مملکت در سرحدات خودشان پاسبانی میکنند که



مبادا پای لشکر پیکانگان استراحت هموطنان آنان را بهم زند،  
صانعان آنان نیز در جهان صنایع مستظرفه فداکاریها کرده برای  
حفظ استقلال صنعت ملی میکوشند. این است که ما هم باید قبر  
فردوسی را در طرز ایرانی خالص بسازیم بطوریکه هر تماشا  
کننده بدون اینکه از کسی پرسد و یا چیزی بخواند بفهمد که  
این، قبر فردوسی است.

قبر فردوسی را باید يك صنعتکار بسازد که روح فردوسی  
را آشنا باشد؛ قبر فردوسی باید در جای بلند و در هوای آزاد  
و در میان يك فردوس ساخته شود تا احساسات هر تماشاکننده  
از عالم سستی و اسارت و جبن و جهالت بهالم آزادی و دلاوری  
و سخنوری پرواز کند؛ قبر فردوسی باید مجسمه افکار فردوسی  
بشود؛ قبر فردوسی باید تماشاگران را بجهان افکار وطن پروری  
فردوسی دعوت بکند؛ قبر فردوسی باید دارای بیکر دلیران و  
شیران بشود؛ قبر فردوسی باید نماینده بعضی از حکایات و  
جنگهای شاهنامه شود و غیره.

هموطنان عزیز! فردوسی کاخ بلندی از خود یادگار گذاشته  
و ما ایرانیان را در میان سایر ملل سر بلند کرد. ما ایرانیان امروزی  
هم باید همت کنیم و قبر او را در این کاخ او بسازیم تا هم روح  
او را شاد و هم خودمان را در میان ملل، زنده و سر بلند و  
نسل آینده را نیز خورسند سازیم.

برلین — کریم طاهر زاده بهزاد

### ⊕ اخطار مهم ⊕

هر کس شماره‌های ۱ و ۲ سال سیم مجله را برای ما  
بفرستد دو نسخه از انتشارات ایران‌شهر برای او خواهیم فرستاد.